



Research Paper

A Comparative Analysis of the Discourse of Sīrah Writing in Kurdish Literature: From Poetic Narrative to Prose Text

Osman Usefi

Assistant Professor, Department of Islamic History, Faculty of Quran and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
(o.usefi@mazaheb.ac.ir)

Raoof Saidian

PhD Student in Islamic History, Faculty of Quran and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. (raoofsaidian@gmail.com)



10.22034/lda.2025.144840.1116

Received:

August, 10,
2025

Accepted:

September, 29,
2025

Available

online:

September, 29,
2025

Keywords:

*Kurdish Sīrah
writing, religious
literature,
prophetic poetry,
comparative
criticism, Sunni
discourse*

Abstract

Kurdish Sīrah writing is a major expression of the indigenization of the Prophetic narrative within the cultural and religious setting of Sunni Kurdistan, playing a key role in sustaining religious memory and strengthening communal identity. Using historical, descriptive, and analytical methods, this study conducts a comparative examination of Kurdish poetic and prose Sīrah traditions in the Sorani and Hawrami dialects to clarify how the Prophetic narrative is represented and reshaped across these two literary domains. The research covers both classical and contemporary Sīrah texts and aims to illuminate the processes through which the Prophetic narrative has been adapted, transmitted, and reconstructed within the cultural and linguistic milieu of Kurdistan. The study shows that, despite their reliance on classical Arabic sources, Kurdish Sīrah works—through both oral and written transmission—have produced a distinctive discourse rooted in sacred, ethical, and mystical elements, while also enabling a gradual shift from ritualized poetic narration to more historical and prose based forms. The findings of this essay indicate that poetic compositions, rather than being strictly narrative-driven, are primarily virtue-centered, musical, and shaped by illuminative themes such as the doctrine of Nūr Muḥammadī. In contrast, prose works tend toward historical reconstruction, social interpretation, and selective use of more authoritative reports, though they still lack comprehensive isnād criticism. Overall, the study concludes that Kurdish Sīrah literature, while remaining aligned with Sunni narrative tradition, offers a localized portrait of the Prophet's life that has played a foundational role in shaping Kurdish religious and cultural identity.



مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی گفتمان سیره‌نویسی در ادبیات کردی: از روایت منظوم تا متن منثور
عثمان یوسفی (نویسنده مسؤول)

استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (o.usefi@mazaheb.ac.ir)

رئوف سعیدیان

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (raoofsaidian@gmail.com)



10.22034/lda.2025.144840.1116

چکیده

سیره‌نویسی کردی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بومی‌سازی روایت نبوی در بافت فرهنگی و دینی اهل سنت کردستان است و نقش مؤثری در استمرار حافظه دینی و تقویت هویت فرهنگی این جامعه داشته است. این پژوهش با روش تاریخی، توصیفی و تحلیلی، به بررسی تطبیقی سیره‌های منظوم و منثور کردی در دو گویش سورانی و هورامی می‌پردازد تا نحوه بازنمایی و تحول روایت نبوی در این دو سنت ادبی را تبیین کند. قلمرو تحقیق شامل متون کهن و معاصر سیره است و هدف آن روشن کردن سازوکارهای اقتباس، انتقال و بازسازی روایت نبوی در چارچوب فرهنگی و زبانی کردستان است. اهمیت این مطالعه در این است که نشان می‌دهد سیره‌نویسی کردی، با وجود اتکای معرفتی به منابع کلاسیک عربی، در فرآیند انتقال شفاهی و مکتوب، به شکل‌گیری گفتمانی ویژه منجر شده است که بر عناصر قدسی، اخلاقی و عرفانی تکیه دارد و درعین حال، زمینه‌ساز حرکت تدریجی از روایت منظوم و آیینی به سوی روایت منثور و تاریخی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آثار منظوم بیش از آنکه روایت‌محور صرف باشند، فضیلت‌محور، موسیقایی و متکی بر روایت‌های مبتنی بر نور محمدی‌اند؛ درحالی‌که آثار منثور به بازسازی تاریخی، تحلیل اجتماعی و گزینش روایت‌های معتبرتر گرایش دارند و همچنان از نقد جامع سندی فاصله دارند. نتیجه کلی پژوهش، بیانگر آن است که سیره کردی، ضمن وفاداری به سنت روایی اهل سنت، تصویری بومی از زندگی پیامبر ارائه می‌دهد که در تکوین هویت دینی و فرهنگی جامعه کردی نقش بنیادین ایفا کرده است.

استناد: یوسفی، عثمان و رئوف سعیدیان (۱۴۰۴). «تحلیل تطبیقی گفتمان سیره‌نویسی در ادبیات کردی: از روایت منظوم تا متن منثور»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۳ (۳)، ۸۸-۶۷.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۷/۰۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۷/۰۷

واژه‌های کلیدی:

سیره‌نویسی کردی،
ادبیات دینی،
منظومه نبوی، نقد
تطبیقی، گفتمان
اهل سنت.

۱. مقدمه و بیان مسأله

سیره‌نویسی به‌عنوان یکی از اثرگذارترین گونه‌های ادبی در تمدن اسلامی، همواره جایگاهی میان تاریخ‌نگاری، روایت‌پردازی دینی و تفسیر عرفانی داشته است. این گونه ادبی، علاوه بر ثبت وقایع زندگی پیامبر اکرم (ص)، بستر شکل‌دهی به الگوهای اخلاقی، ایمانی و فرهنگی جوامع مسلمان بوده و در بسیاری از مناطق اسلامی به صورت محلی و بومی بازآفرینی شده است. در همین چارچوب، جامعه کردستان با پیشینه‌ای دیرینه در ادبیات دینی، از نخستین سده‌های هجری در تولید سیره‌های منظوم و منثور مشارکت داشته و متونی پدید آورده است که هم بر اعتقادات مذهبی اهل سنت تکیه دارند و هم بازتابی از هویت فرهنگی و زبان کردی محسوب می‌شوند. این متون، چه در قالب مولودنامه‌های آهنگین و آیینی و چه در قالب روایت‌های منثور تاریخی، نقش مهمی در انتقال حافظه دینی و فهم بومی از شخصیت پیامبر ایفا کرده‌اند.

تاکنون مطالعه‌ای جامع و تطبیقی درباره سنت سیره‌نویسی کردی و نسبت آن با منابع اصلی عربی صورت نگرفته است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً به معرفی نسخه‌ها یا بررسی‌های محدود ادبی بسنده کرده و از تحلیل گفتمان، مقایسه میان فرهنگی و واکاوی سازوکارهای بومی‌سازی روایت نبوی غفلت کرده‌اند. در نتیجه، خلأ علمی چشمگیری در فهم چگونگی بازآفرینی روایت‌های نبوی در بستر فرهنگی-زبانی کردستان وجود دارد. ضرورت انجام این پژوهش از این واقعیت نشئت می‌گیرد که سیره‌نویسی کردی، افزون بر جنبه تاریخی و ادبی، سازوکار اساسی انتقال حافظه جمعی دینی و تقویت هویت فرهنگی اهل سنت گرد به شمار می‌آید. بررسی این سنت، امکان فهم عمیق‌تری از تعامل میان زبان کردی، روایت‌های نبوی و ساختار باورهای محلی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه سنت اسلامی در قالب‌های روایی بومی استمرار یافته است. بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش، تحلیل تطبیقی ساختار، مضامین کلامی و منابع روایی متون سیره کردی در مقایسه با منابع کلاسیک عربی همچون سیره ابن هشام، تاریخ طبری، طبقات ابن سعد و سیره حلبی است تا سازوکارهای بازسازی و بومی‌سازی روایت نبوی در ادبیات کردی روشن شود. در پایان، این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی و تحلیل گفتمانی، الگویی تلفیقی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد چگونه حافظه جمعی، روایت‌پردازی و هویت دینی-فرهنگی در بستر کردستان در تعامل با یکدیگر قرار گرفته و به شکل‌گیری گفتمان بومی سیره‌نویسی انجامیده‌اند؛ گفتمانی که نوآوری اصلی آن در تبیین نسبت میان سنت اسلامی و بازنمایی محلی روایت نبوی نهفته است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات شفاهی و مکتوب گردی نشان می‌دهد که آثاری با محوریت سیره نبوی وجود دارند، اما فقدان پژوهش‌های جامع و تطبیقی در این حوزه مشهود است. تاکنون، بیشتر مطالعات انجام‌شده فاقد تحلیل میان فرهنگی و تطبیقی با منابع اصلی بوده‌اند. کارهایی مانند پژوهش‌های حسینی آبیاری (۱۴۰۲) و بیدکی (۱۳۹۵) عمدتاً در سطح معرفی نسخه‌های خطی موجود یا بررسی‌های اجمالی ادبی بوده‌اند و فاقد تحلیل عمیق سندی و گفتمانی هستند. تلاش محمد کریم حسن محمود (۲۰۱۰) در اقلیم کردستان هرچند ارزشمند است، اما محدود به نقد اجمالی چند اثر خاص بوده و به رویکرد کلی و تطبیقی سنت سیره‌نویسی گردی نپرداخته است.

در میان پژوهش‌های معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «معرفی، نقد و بررسی متون منظوم و منثور سیره به زبان گردی؛ گویش‌های هورامی و سورانی» (۱۴۰۲) نگاهی به این حوزه داشته است. در آن پژوهش، تمرکز اصلی بر گردآوری، معرفی و توصیف نسخه‌های مکتوب و منظوم سیره‌های گردی و زندگی‌نامه سیره‌نویسان بوده و تحلیل گفتمانی یا ادبی به صورت محدود و کلی مطرح شده است. با این حال، همان اثر مبنای مستند و کتابخانه‌ای ارزشمندی را برای تحقیق حاضر فراهم کرده است؛ پژوهش کنونی کوشیده است با تکیه بر آن داده‌ها، به تحلیل تطبیقی گفتمان سیره گردی در سطح ساختار روایی و نظام معنایی بپردازد و سیر تحول آن را در بافت فرهنگی و دینی کردستان واکاوی نماید. در نتیجه، خلأ پژوهش تطبیقی سیره گردی (در دو قالب منظوم و منثور) با منابع عربی کلاسیک همچنان محسوس است. این پژوهش درصدد است با تحلیل ساختاری و محتوایی، این شکاف پژوهشی را پر کرده و الگویی برای درک چگونگی تأثیرپذیری و بازآفرینی روایت دینی در زبان و فرهنگ گردی ارائه دهد. ضرورت این پژوهش در اهمیت حفظ و فهم میراث دینی جامعه گردی است که از طریق این متون، به حیات خود ادامه داده است.

۳. چهارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای مفهوم «بومی‌سازی سنت اسلامی» است؛ مفهومی که به صورت بنیادین توسط مارشال جی. اس. هاجسن (Marshall GS Hodgson) در نظریه تمدن اسلامی تبیین شده است. هاجسن در اثر کلاسیک خود *سفر پرمخاطره اسلام* توضیح می‌دهد که سنت اسلامی، به عنوان یک نظام تمدنی، پس از ظهور در شبه جزیره عربی، در فرآیند گسترش به سرزمین‌های گوناگون، دچار نوعی درونی‌سازی و بازتفسیر

فرهنگی شد که او از آن با عنوان «بومی‌شدن اسلام» یاد می‌کند (بابایی، ۱۳۹۳: ۵۶). بر اساس این دیدگاه، هیچ نمود واحد و ایستا از اسلام وجود ندارد، بلکه آنچه در طول تاریخ پدید آمده، تجسم‌های فرهنگی و زبانی متفاوت «سنت اسلامی» در جوامع گوناگون است. هاجسن، نخستین بار توضیح می‌دهد که تمدن اسلامی، پس از قرون نخست، در هر منطقه «به‌صورت خاصی تبلور یافته» یعنی صورت‌هایی از زندگی و فرهنگ که برخاسته از جهان اسلام‌اند ولی الزاماً محدود به عربیت یا زبان عربی نیستند. این همان بنیان نظری «بومی‌شدن سنت اسلامی» است (همتی، ۱۳۹۳: ۸۵).

در نتیجه، متون سیره‌نویسی‌گرِدی را می‌توان مصداقی از «بومی‌شدن سنت نبوی» در بستر زبانی، فرهنگی و مذهبی کردستان دانست؛ جایی که زبان‌گرِدی نه تنها ابزار روایت، بلکه واسطه‌ی باز تأویل پیام دینی در فضای سنتی-محلی بوده است. در این چارچوب، تحلیل سیره‌های منظوم و منشور‌گرِدی، در حقیقت، بررسی گفتمان دینی‌ای است که از دل تجربه‌ی زیسته‌ی جمعی برمی‌آید و روایت نبوی را متناسب با ساخت فرهنگی خویش باز می‌سازد. به بیان دیگر، گفتمان سیره‌نویسی‌گرِدی نمونه‌ای از تداوم «سنت اسلامی» در شکل محلی و مردم‌زاد آن است؛ سنتی که در پیوند با حافظه‌ی جمعی، زبان آیینی و ساخت تاریخی منطقه، چهره‌ای تازه از دین هستند.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. تحول گفتمانی و گونه‌شناسی روایت نبوی در ادبیات‌گرِدی

سیره‌نویسی‌گرِدی را می‌توان به دو دوره‌ی متمایز تقسیم کرد که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند: دوره‌ی متقدم (که عمدتاً منظوم و شفاهی است) و دوره‌ی متأخر (که گرایش به قالب منشور و مکتوب دارد).

۴-۲. سیره‌ی منظوم

۴-۲-۱. معرفی و تقسیم‌بندی

آثار منظوم سیره در کردستان که از قرون گذشته رواج داشته‌اند، اغلب در قالب‌های ادبی رایج مانند مه‌ولودنامه (Mawludname) معراج‌نامه (Mi'rajname) و دیگر حماسه‌های دینی سروده شده‌اند (سعیدیان، ۱۴۰۲: ۲۹). زبان این آثار عمدتاً‌گرِدی هورامی یا سورانی است و وزن غالب آن‌ها معمولاً ده‌هجایی یا اوزان عروضی مورد استفاده در ادبیات کلاسیک‌گرِدی است. سیره‌های منظوم در چهار قالب محتوایی مولودنامه، معراج‌نامه، وفات‌نامه و هجرت‌نامه به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند. گستره‌ی روایات شفاهی و منظوم سیره در میان‌گردها، عمدتاً در قالب مولودنامه‌ها- به‌ویژه در سنت هورامی- تجلی‌یافته است؛ در حالی که

معراج‌نامه‌ها و سپس وفات‌نامه‌ها، از منظر کمیت و تنوع متون، در جایگاه‌های بعدی قرار دارند (همان: ۱۲۲). علامه خضر رواری (م ۱۲۰۵) از بارزترین چهره‌های منظومه‌نویسی است. منظومه آموزشی *روله بزنسی*^۱ او در تمامی مناطق گردنشین شناخته شده است (فاروقی، ۲۰۰۷: ۶). علمای پس از او و به تقلید از او منظومه‌های اعتقادی به همان سبک سروده‌اند (همان: ۲۸).

۴-۲-۲. مولودنامه‌های کردی

مولودنامه‌ها که نخستین صورت‌های تدوین سیره به زبان کردی به شمار می‌آیند، در تمامی گویش‌های اصلی کردی، از جمله سورانی و هورامی، سروده شده‌اند. هر یک از این متون، متأثر از زیست جهان و فضای فرهنگی منطقه شکل‌گیری خود و با بهره‌گیری از وزن هجایی - که بنیادین‌ترین وزن در شعر کردی است - پدید آمده است (سوران، ۲۰۰۶: ۱۳۱). گستردگی جغرافیایی کردستان و تنوع چشمگیر گویش‌ها و لهجه‌ها، بی‌تردید شمار فراوانی از این مولودنامه‌ها را رقم‌زده است (همان)؛ با این حال، به سبب انتقال شفاهی و تداوم سنت سینه‌به‌سینه، بخش قابل‌توجهی از آن‌ها در گذر زمان از میان رفته و تنها نمونه‌هایی محدود به ما رسیده است.

- *مولودنامه ملا خدر رواری* (م ۱۲۰۵ ه.ق) نسخه خطی، موجود در کتابخانه شخصی جمیل فاروقی در مریوان.

- *مولودنامه شیخ حسین قاضی* (م ۱۲۸۱ ه.ق) ۱۹۳۵ منتشر شده در سال ۱۹۳۵ چاپخانه نجاج بغداد.

- *مولودنامه محمد/امین/شنویه* بلدی معروف به امین اشنویی (م ۱۳۳۴ ه.ش) منتشر شده در دیوان امین شنویی انتشارات کردستان ۱۳۹۸

- *مولودنامه شمس قریشی* ملقب به شمس الاشراف (م ۱۳۶۵ ه.ق). منتشر شده در سنندج سال ۱۳۴۷ در چاپخانه پیروز.

- *مولودنامه عبد/الحمید قدسی* (متولد ۱۲۸۶ ه.ق) خطی، به نقل از ایلخانی زاده، در کتاب *شاعران عارف کرد* ذیل عنوان *زندگی‌نامه قدسی*.

- *مولودنامه شیخ محمد خال* (م ۱۳۶۸) منتشر شده در سال ۱۹۳۷ م سلیمانیه عراق
- *مولودنامه عبد/الهادی افخم زاده* (م ۱۲۸۹ ه.ق) چاپ شده در سال ۱۳۷۰ ه.ش در انتشارات ناصح افخم زاده.

- *مولودنامه احمد مفتی‌زاده* (م ۱۳۷۲ ه.ش) دارای ۶۵۹ بیت منتشر شده به صورت کپی در سال

- مولودنامه محمود/احمدی دهگلان؛ منتشرشده در سال ۱۴۱۰ ه قمری بی‌نا.
- مولودنامه محمد صالح خاتونی مرزہ سقزی چاپخانه آرمان ۱۳۷۲ سقز.
- مولودنامه عبدالکریم مدرس منتشرشده در سال ۱۴۰۲ ه ق در بغداد.
- مولودنامه محمد شلماشی چاپ‌شده در انتشارات کردستان، سال ۱۳۹۹.
- مولودنامه سید عبدالله بلبری منتشرشده در سال ۱۳۷۰ انتشارات کردستان.
- مولودنامه شیخ نسیم تخته منتشرشده به کرات و ۱۳۹۹ انتشارات کردستان.
- مولودنامه حیدر مصطفوی منتشرشده توسط انتشارات کردستان ۱۳۹۹ ه ش.
- مولودنامه محمد رئوف عزیزی به هورامی منتشرشده در انتشارات کردستان ۱۳۹۸.
- مولودنامه محمد رئوف عزیزی سورانی انتشارات کردستان ۱۳۹۸ ه ش.
- مولودنامه خدایی بانه به‌صورت خطی موجود در کتابخانه خود ماموستا و به دستخط خویش.
- مولودنامه ملا نذیر ادوایی سلین (م ۱۳۷۲ ه.ش) به‌صورت خطی موجود در کتابخانه نگارنده.
- مولودنامه جلی‌زاده، چاپ‌شده توسط انتشارات سیدیان مهاباد سال ۱۳۶۴ ش.
- مولودنامه کردی از محمدعلی حسام‌الدینی، نسخه خطی، مکتوب در سال ۱۳۰۸.
- مولودنامه عبدالقادر سلیمان آشوکانی م ۱۹۲۸.
- مولودنامه عمر نویختی نقده به‌صورت تاپپی در سال ۱۳۸۷ تألیف شده است.
- مولودنامه حضرت پیامبر از حسین ارتوسی منتشرشده توسط انتشارات نالوسی در اشنویه سال ۱۳۶۱.
- مولودنامه رحمان حسین‌زاده منتشرشده در انتشارات صلاح‌الدین ایوبی سال ۱۳۶۹.
- مولودنامه خلیل مشهور به مخلص (م ۱۹۸۵) چاپ‌شده در هولیر سال ۱۹۶۸ م.
- مولودنامه قاضی رشاد محمد مفتی هولیری چاپ‌شده در سال ۱۹۹۸ در هولیر.
- مولودنامه افخم‌زاده. منتشرشده در سال ۱۳۳۴ تبریز.
- مولودنامه عبدالخالق محمد/امین عفری؛ انتشارات سیدیان مهاباد. ۱۳۶۴ ه ش.

۴-۲-۱. ویژگی‌های مولودنامه‌های کردی (جدول شماره ۱)

ردیف	مؤلف	دوره و جایگاه علمی	زبان/سبک اثر	مهم‌ترین مضامین محتوایی	ویژگی‌های ممتاز و اختصاصی
۱	سید عبدالله بلبری (۱۲۷۰- ۱۳۵۶ق)	عارف هورامی، مسلط به فارسی/عربی/کردی	منظوم - هورامی	دستور پیامبر به گرفتن مولودی؛ وجوب شفاعت با مولودی؛ توصیه خلفا؛ اقوال عرفا؛ حکایات فضیلت مولودی؛ خلقت نور محمد؛ تسبیح نور در حجاب‌ها؛ نقل حکایت عشق فاطمه شامی؛ حضور	غلبه شدید مضامین عرفانی-نوری؛ برجستگی «نورشناسی» و «فضائل مولودی»؛ پیوند عرفانی با ادبیات نعت‌نویسی (مشاعرنامه‌ها، بردیه، همزیه)

					انبیا و زنان برگزیده در تولد
۲	سید بهاء الدین شمس قریشی (۱۲۹۳- ۱۳۶۵ق)	عارف نقشبندی، شاعر سه زبانه	منظوم - کردی/فارسی	خلقت نور پیامبر؛ عبور نور از ۱۲ حجاب و ۱۰ بحر؛ خلقت ۱۲۴۰۰۰ پیامبر از نور او؛ فضیلت مولودی؛ تخفیف عذاب ابولهب؛ معجزات؛ رؤیت جمال حق در معراج؛ ایمان والدین پیامبر؛ رفتارهای اجتماعی و فضائل اخلاقی پیامبر	جامعیت بالا: ترکیب سیره، معجزات، نورشناسی و اخلاق؛ ورود به مباحث اجتماعی پیامبر؛ استفاده از ساختار چندگانه (نوری + سیره‌ای + اخلاقی)
۳	شیخ حسین قاضی (۱۲۲۵- ۱۳۸۱ق)	ادیب سه زبانه (کردی/عربی/فارسی)، از قدیم‌ترین مولودنامه‌نویسان	منظوم - کردی	فضائل مولودی؛ حکایات هارون الرشید؛ اسلام آوردن یهودی؛ خلقت نور قبل از موجودات؛ توقف نور در ۱۲ پرده هرکدام ۱۲۰۰۰ سال؛ خلقت ده بحر و ۱۲۴۰۰۰ قطره نور؛ سفارش پیامبران برای محافظت از نور؛ عشق فاطمه شامی؛ حضور پیامبران و زنان برگزیده	کهن‌ترین و کلاسیک‌ترین قالب مولودنامه کردی؛ نثر مسجع و آهنگین؛ ساختار کاملاً نوری-اعجاز‌محور؛ بیشترین حجم روایت‌های حجاب‌ها و بحار نور
۴	شیخ نسیم تخته (متوفای ۱۳۱۰ق)	عالم و مدرس هورامی	منظوم - هورامی	دستور پیامبر و تشویق خلفا به مولودی؛ خلقت نور پیامبر و حجاب‌ها؛ خلقت نور چهار یار (خلفای راشدین) از نور پیامبر؛ ارهاصات تولد؛ ملاقات پیامبران با آمنه؛ حضور چهار زن در لحظه ولادت	تأکید بی‌سابقه بر «خلقت نور خلفا»؛ هم‌سویی کامل با الگوی کلاسیک هورامی؛ غلبه ارهاصات تولدی و حضورهای قدسی
۵	احمد مفتی زاده (۱۹۳۴- ۱۹۹۳)	مفسر، مدرس، نواندیش دینی	منظوم - کردی	نذر عبدالمطلب؛ وضعیت سیاسی-تمدنی عرب؛ قربانی‌های دوگانه اسماعیل و عبدالله؛ دوران یتیمی پیامبر؛ تجارت شام؛ نصب حجرالأسود؛ ابرهه؛ سیل مکه؛ وقایع پیشابحث تا آغاز وحی	رویکرد اصلاح‌گراانه: حذف کامل روایت‌های فضیلت مولودی و نورشناسی؛ توجه به تاریخ عینی؛ استفاده از روایت‌های معتبر؛ واکنشی به مولودنامه‌های قدیمی
۶	حیدر مصطفوی (۱۳۱۵- ۱۳۹۹ش)	فقیه و مدرس؛ مؤلف ۴۱ اثر	منظوم - کردی	سفر شام؛ ملاقات بحیرا و نسطورا؛ بعثت؛ هجرت؛ ارهاصات؛ شمایل پیامبر؛ روایت‌های سیره‌ای معتبر	مولودنامه به سبک «سیره‌گزیده»؛ عدم ذکر فضائل مولودی؛ متکی بر روایت‌های تاریخی؛ گسترده‌ترین پوشش سیره در میان مولودنامه‌های معاصر
۷	محمدامین ن‌بلدی شنویی (۱۳۶۸ق)	شاعر عارف؛ مسلط به قصص دینی	منظوم/مثنوی - کردی و فارسی	فضیلت‌های مولودی؛ خلقت نور پیامبر و توقف آن در حجاب‌ها؛ معجزات پیامبر؛ مسجد، آهوی صحرا، طفل شیرخوار، معجزه بر ابوچهل	دوگانه بودن متن (منثور + منظوم)؛ ترکیب سیره با معجزات؛ گرایش شدید به معجزه‌گرایی و روایات کرامتی

۴-۲-۲. الگوی ساختاری مشترک مولودنامه‌ها (جدول شماره ۲)

ردیف	عنصر مشترک	توضیحات
۱	نوع اثر	منظوم یا منشور، با برتری آثار منظوم در سنت کُردی
۲	حوةٔ زبانی	هورامی، سورانی، کرمانجی (با ریشه داشتن بیشتر در هورامی)
۳	دامنةٔ زمانی روایت	پیش از ولادت - هنگام ولادت - پس از ولادت - گاه تا پایان سیره
۴	ساختار محتوایی	ارهاصات، معجزات، خلقت نور، فضائل مولودی، حضور انبیا و زنان قدسی، حکایات کرامتی
۵	مشکلات محتوایی	وجود روایات ضعیف و اسرائیلیات؛ نفوذ روایت‌های غیرنقدانه
۶	تحوّل جدید	مولودنامه‌های اصلاح‌شده (مفتی زاده) با حذف عناصر ضعیف
۷	سبک واحد	یک قالب ثابت میان هورامی/سورانی/کرمانجی؛ سورانی غالباً بازنویسی هورامی

۴-۲-۳. معراج‌نامه‌ها

بخش دیگری از منظومه‌های سیره، معراج‌نامه‌ها هستند که در بسیاری موارد توسط همان سرایندگانی پدید آمده‌اند که مولودنامه‌ها را نیز به نظم کشیده‌اند. برای نمونه، علامه سید بهاءالدین شمس قریشی در کنار مولودنامهٔ خود، یک معراج‌نامه مستقل نیز سروده است (محمودی، ۱۳۹۶: ۱۰). شماری دیگر از عالمان و شاعران نیز این شیوهٔ دوگانه را دنبال کرده‌اند. با این همه، تعداد معراج‌نامه‌های منظوم به زبان کُردی، اندک است و عالمان دینی رغبت چندانی به تألیف مستقل معراج‌نامه و به‌تبع آن وفات‌نامه‌ها نشان نداده‌اند؛ هرچند مضمون معراج پیامبر در ادبیات کُردی بازتابی گسترده و پایدار یافته است (سعیدیان، ۱۴۰۲: ۲۹).

- معراج‌نامهٔ *خانا قبادی* (م ۱۱۶۸ ه.ق) منتشرشده در دیوان خانای قبادی ۲۰۱۶ م نشر شوان سنندج.

- معراج‌نامه سید بهاءالدین شمس قریشی مشهور به شمس الاشراف، انتشارات کردستان ۱۳۷۷

- معراج‌نامه عبدالسلام حیدری ۱۳۷۱ بدون نام ناشر.

- معراج‌نامه ماموستا نذیرادوایی سلین (م ۱۳۷۰ ه.ش) نسخهٔ خطی کتابخانه شخصی نگارنده.

- معراج‌نامه نایاب کُردی محمد رئوف عزیزی، انتشارات کردستان ۱۳۹۸ ه.ش.

- معراج‌نامه علمی محمود احمدی دهگلان ۱۴۱۰ قمری بدون نام ناشر.

۴-۲-۳-۱. ویژگی‌های محتوایی معراج نامه‌ها (جدول شماره ۳)

ردیف	عنصر محتوایی یا مضمون اصلی	شرح و نمود در معراج نامه‌ها	برداشت دینی - ادبی
۱	آغاز سفر با اسرا و رسیدن به بیت المقدس	پیامبر در آغاز معراج از مکه تا بیت المقدس می‌رود و در آنجا پیشوای نماز تمامی پیامبران می‌گردد.	نماد جامعیت رسالت و پیشوایی جهانی پیامبر اسلام
۲	سفر آسمانی از آسمان اول تا هفتم	دیدار با پیامبران در هر آسمان و مشاهده نظم و عبادت فرشتگان	تجلی نظم کیهانی و سلسله مراتب قرب الهی
۳	تماشای فرشتگان و شمایل نورانی آنان	فرشتگان در صفوف سجده و رکوع و جلوه‌های نوری به تصویر درآمده‌اند.	بیان زیبایی و پاکی عوالم ملکوت
۴	رسیدن به سدره المنتهی و توقف جبرئیل	در این مرحله جبرئیل از همراهی بازمی‌ماند و پیامبر تنها ادامه می‌دهد.	نماد اوج قرب و محدودی علم فرشتگان
۵	دیدار با خداوند و بیت المعمور	اوج معراج، دیدار با پروردگار و مکاشفه‌ی عوالم غیب	نماد اتحاد عاشق و معشوق الهی در عرفان اسلامی
۶	دیدار بهشت و نعمت‌های آن	مشاهده نهر کوثر، باغ‌ها و سرور جاودانه مؤمنان	بیان پاداش ایمان و طاعت
۷	مشاهده جهنم و عذاب گناهکاران	دیدن انسان‌های گرفتار در آتش و انواع عذاب‌ها	هشدار اخلاقی و ترغیب به پرهیز از گناه
۸	فرض شدن پنجاه نماز و کاهش آن به پنج	گفت‌وگوی پیامبر با موسی و تخفیف تکلیف عبادت	نشان‌دهنده رحمت الهی و جایگاه شفاعت پیامبران
۹	روایت ابن عباس از شب معراج	تعیین شب ۲۷ رجب و ذکر سن حضرت فاطمه هنگام واقعه	تقویم دینی و مستندسازی تاریخی در روایت‌ها
۱۰	دیدار جبرئیل و براق در خانه ام‌هانی	توصیف آغاز تجربه معراج پیش از پرواز آسمانی	تجلی حضور فرشتگان در زندگی زمینی پیامبر

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، درون‌مایه و ساختار روایی تمامی معراج‌نامه‌ها از الگویی واحد پیروی می‌کند و بیشتر جنبهٔ بازگویی و تکرار عناصر نمادین و دینی دارد.

۴-۲-۴. وفات‌نامه و هجرت‌نامه

وفات‌نامه‌ها بخشی دیگر از منظومه‌های سیره به شمار می‌آیند؛ آثاری که در میان منظومه‌های دینی به‌ندرت سروده شده‌اند و شمار آن‌ها از انگشتان یک‌دست فراتر نمی‌رود. یکی از دلایل گرایش اندک عالمان به تألیف وفات‌نامه‌ها، بنا بر برخی دیدگاه‌ها، می‌تواند با ویژگی‌های زیست‌فرهنگی کردها مرتبط باشد؛ مردمانی که در دامان کوهستان‌ها، کنار چشمه‌سارها و در هم‌نوایی با آوای پرندگان رشد یافته‌اند و طبیعتی سرشار از نشاط و سرزندگی دارند، از این‌رو طبع آنان با سوگواری‌های ممتد و مضامین اندوه‌بار چندان سازگار نبوده است (سعیدیان، ۱۴۰۲: ۴۸).

در کنار این دسته، هجرت‌نامه‌ها نیز قرار می‌گیرند که از دیگرگونه‌های منظوم سیره کردی به شمار می‌روند؛ با این حال تاکنون هیچ یک از آن‌ها در قالب کتابی مستقل منتشر نشده است. آنچه امروز در اختیار داریم صرفاً گزارش‌هایی پراکنده از وجود برخی نمونه‌هاست. از جمله این آثار می‌توان به *هجرت‌نامه* شاعر نام‌آور کرد، خلیل متخلص به «مخلص» از عشیرهٔ سنجابی (م. ۱۹۸۵) اشاره کرد (احمد شوان، ۲۰۱۰: ۲۴).

۴-۲-۵. ویژگی‌های سیرهٔ منظوم

الف) فضیلت محوری: تمرکز محوری این منظومه‌ها بر ستایش فضائل پیامبر اسلام (ص)، تبیین مقام نورانیت ایشان - که در ادبیات دینی با عنوان نور محمدی شناخته می‌شود - و روایت رخداد‌های اعجاز‌آمیز مرتبط با ولادت و سیرت زندگی آن حضرت است. بنگرید (محمودی، ۲۰۲۰: ۱۵۸). در بخشی از سیره‌های منظوم کردی، به‌ویژه در مولودنامه‌ها، این رویکرد با نوعی تلقی فرابشری و نیمه‌الوهی از شخصیت پیامبر همراه می‌شود؛ تأویل‌هایی که در آن‌ها مقام نبوی از سطح روایت تاریخی فراتر رفته و جنبه‌ای قدسی و فوق طبیعی می‌یابد (محمد کریم، ۲۰۱۰: ۲۹۹).

ب) تلفیق عرفان و حماسه: یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه در بخشی از سیره‌های منظوم کردی، تلفیق مضامین عرفانی با عناصر حماسی است؛ تلفیقی که در آن روایت تاریخی سیره با لایه‌هایی از تجربه‌های شهودی و مضامین عاطفی درهم می‌تنند بنگرید (محمودی، ۲۰۲۰: ۸۶). نمونهٔ برجسته این رویکرد، مولودنامهٔ احمد مفتی‌زاده (۱۳۷۲) است؛ اثری که در واقع، واکنشی انتقادی به مولودنامه‌های پیشین محسوب می‌شود و از حیث محتوا، ساختار و

شیوه بیان، تفاوتی آشکار با سنت رایج مولودنامه‌سرایي دارد. از ویژگی‌های بارز این منظومه، ابراز احساسات ژرف و سوزناک سراینده نسبت به پیامبر اسلام^(ص) و نیز همدلی آشکار او با فقرا و مستمندان، یعنی «هه‌ژاران»، است؛ امری که در کلیت متن نمود پررنگی دارد.

این مولودنامه، علاوه بر سبک بدیع و زبان روان و شفاف خود، در ایجازی کم‌سابقه سامان‌یافته و تنها در ۶۵۹ بیت تدوین‌شده است. در مقدمه اثر، هدف از نگارش آن را «سالم‌سازی قلب» و «جبران نواقص» معرفی می‌کند (مفتی زاده، ۱۳۷۶: مقدمه). در این اثر، برخلاف بسیاری از مولودنامه‌های کلاسیک، هیچ اشاره‌ای به رخداد‌های خارق‌العاده دوران ولادت پیامبر دیده نمی‌شود (همان: ۹). سراینده در عوض، با رویکردی انسانی و واقع‌گرایانه، رنج‌ها، اندوه‌ها و دشواری‌های دوران کودکی پیامبر را برجسته می‌سازد (همان: ۱۰، ۱۴) و در خلال روایت، احساسات سوزناک و عاطفه بی‌پیرایه خود نسبت به آن حضرت را بایبانی متین و عمیق ابراز می‌کند (همان: ۱۶-۱۵).

پ) اقتباس از روایت‌های شفاهی: این منظومه‌ها گاه از روایت‌هایی بهره برده‌اند که اعتبار سندی قوی در منابع متقدم عربی ندارند؛ اما در فرهنگ شفاهی منطقه ریشه دوانده‌اند. بنگرید (قریشی، ۱۳۹۹: ۱۳۷). بنگرید (محمودی، ۱۴۰۲: ۲۰۲). باوجود ضعف سندی برخی جزئیات، این آثار نقش بنیادینی در تثبیت نگرش عرفانی - اخلاقی جامعه‌گردی و شکل‌گیری الگوی رفتاری مبتنی بر عشق به پیامبر^(ص) داشته‌اند.

۳-۴. سیره منشور

۱-۳-۴. روند شکل‌گیری

از نیمه قرن بیستم به بعد، هم‌زمان با گسترش سواد نوشتاری و رواج صنعت چاپ در مناطق گردنشین، گرایش به تدوین سیره نبوی در قالب نثر افزایش چشمگیری یافت. این آثار غالباً با هدف تاریخ‌نگاری و بازسازی سیره پیامبر اسلام بر پایه منابع مکتوب و کلاسیک عربی پدید آمدند. نمونه برجسته این جریان، کتاب *ژیانی پیغمبره‌ری مه‌زن* (زندگی پیامبر بزرگ) اثر عبدالعزیز پاره‌زانی (۲۰۰۴) است؛ اثری که از نخستین نمونه‌های سیره‌نویسی چاپی به زبان کردی به شمار می‌آید و به‌تصریح پژوهشگران، با اتکا به سیره‌های کهن عربی نگاشته شده و از جامعیت کم‌نظیری برخوردار است (محمد کریم، ۲۰۱۰: ۳۰۰).

پاره‌زانی با انتشار این کتاب، عملاً بنیان نخستین سیره منشور به زبان کردی را استوار ساخت (پاره‌زانی، ۱۳۸۳: ۲) و راه را برای تکوین سنتی تازه در سیره‌نگاری کردی هموار کرد. در پی این اثر، ده‌ها کتاب و رساله کوچک و بزرگ در حوزه سیره نبوی و در قالب نثر

تألیف شد؛ روندی که نشان از گسترش تدریجی سنت مکتوب سیره در میان نویسندگان گرد دارد (محمدکریم، ۲۰۱۰: ۲۹۷).

۴-۳-۲. نویسندگان شاخص

پس از پاره‌زانی، شلماشی با تألیف کتاب *ژیانی پیغمبه‌ران* - که بخشی از آن را به زندگی پیامبر اسلام اختصاص داده است - نخستین گام را در نگارش اثری برداشت که به‌صورت یکجا به سیره تمامی پیامبران می‌پردازد (محمدکریم، ۲۰۱۰: ۳۰۰). در ادامه، حبیب محمد سعید با کتاب *ژیانی پیغمبه‌ری ئازیز* یکی از مفصل‌ترین و پرحجم‌ترین آثار سیره‌نویسی به زبان کردی را عرضه کرد. این اثر با روایتی گسترده، زبان روان و شیرین و شیوه تطبیقی در نقد و مقایسه روایت‌ها، خواننده را باحوصله و پیوستگی در مسیر رخدادهای سیره همراه می‌سازد (همان: ۲۹۸).

از دیگر چهره‌های برجسته این حوزه هه‌رت‌له‌لی است که در کتاب *ژیانی پیغمبه‌ری ریزدار* بهره‌گیری گسترده‌ای از اشعار شاعران عرب دارد و در کنار روایت سیره، اهتمام ویژه‌ای به طرح مباحث فقهی نشان داده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان اثر او را گونه‌ای «سیره فقهی» دانست. این کتاب علاوه بر پرداختن به احکام، متنی جدلی نیز دارد و نویسنده در آن به نقد جریان‌های فکری رقیب پرداخته است (همان: ۲۹۵).

محمد فائق *شاره‌زوری* نیز از دیگر نویسندگان فعال در حوزه سیره‌نویس است. اثر سه‌جلدی او با اتکا به ترکیبی از آیات و روایات، مباحث مربوط به زندگی پیامبر اسلام را با زبانی ساده و بیانی منظم طرح کرده و کوشیده است تمامی محورهای اصلی سیره را پوشش دهد (شاره‌زوری، ۲۰۲۰: ۸).

در میان سیره‌نویسان معاصر، *عبدالواحد محمد صالح* با کتاب *به‌لگه‌کانی پیغمبه‌رایه‌تی* رویکردی متمایز اتخاذ کرده است. او با فاصله گرفتن از الگوهای روایی متعارف، سیره را بیش از آنکه به‌صورت توصیفی بازگو کند، در قالب متنی برای «عبرت‌گیری» و تفسیر اخلاقی و تربیتی رخدادهای ارائه می‌دهد (محمد صالح، ۲۰۱۸: ۶). در همین چارچوب، آثاری همچون *هیمای ژیان* اثر *فلاح محمد عزیز* نیز منتشر شده‌اند که از نظر سبک و غایت، در امتداد همین رویکرد تفسیری قرار گرفته و در منظومه سیره‌نویسی کردی به‌عنوان گامی تازه و رو به جلو ارزیابی شده‌اند (محمد عزیز، ۲۰۱۵: ۸).

۴-۳-۳. ویژگی‌های سیره‌نویس

الف) ساختار تاریخی: این آثار از نظر ساختاری تلاش کرده‌اند از منابع عربی پیروی کنند و وقایع را به ترتیب زمانی ارائه دهند (محمد کریم، ۲۰۱۰: ۳۰۰).

ب) محدودیت در نقد سندی: گرچه این متون به منابع عربی متکی‌اند، اما روش‌های نقد سندی و تحلیل علی که در پژوهش‌های معاصر عربی رایج است، در آن‌ها کمتر مشاهده می‌شود. تمرکز بیشتر بر روایت و انتقال اطلاعات است تا تحلیل انتقادی آن‌ها (همان).

۴-۴. تحلیل تطبیقی منابع و گفتمان

بررسی تطبیقی متون سیره‌گردی با منابع اصلی عربی، نشان‌دهنده رویکردی گزینشی و بومی‌شده در بازتولید روایت نبوی است.

۴-۴-۱. منابع مورد استفاده

منابع مورد استفاده در آثار سیره‌نویسی‌گردی - چه در متون منظوم و چه در نوشته‌های منثور - عمدتاً از میان منابع معتبر اهل سنت برگرفته شده‌اند. مهم‌ترین این منابع، سیره ابن‌سحاق و روایت منقح‌شده آن در سیره ابن هشام است که بنیان اصلی داده‌های تاریخی و روایی را برای نویسندگان فراهم کرده است. در کنار آن، تاریخ‌الرسول و الملوک طبری به‌منزله یکی از گسترده‌ترین منابع تاریخی، برای تکمیل اطلاعات مربوط به وقایع، اشخاص و زمینه‌های جغرافیایی مورد استفاده قرار گرفته است. سیره حلبی نیز، به‌ویژه در ارائه فضایل نبوی، گزارش‌های اخلاقی و بخش‌های مناقبی، جایگاه مهمی در میان منابع مورد استناد سیره‌پردازان‌گرد دارد. افزون بر این‌ها، الطبقات الکبری ابن سعد با ساختار زندگینامه‌ای و گزارش‌های طبقه‌بندی‌شده خود، بخش دیگری از داده‌های تاریخی و حدیثی را در اختیار نویسندگان قرار داده و بدین‌ترتیب مجموعه‌ای از منابع کلاسیک اهل سنت، بنیان معرفتی سیره‌نویسی‌گردی را شکل داده است.

اقتباس از این منابع نشانگر نوعی «ترکیب سازگار» با آموزه‌های غالب در بافت اهل سنت کردستان است. نویسندگان‌گرد به‌صورت آشکار از روایت‌های کلامی اختلاف‌زا (مانند مباحث امامت و خلافت که در متون شیعی برجسته است) دوری کرده و بر اشتراکات اعتقادی متمرکز شده‌اند (سعیدیان، ۱۴۰۲: ۱۱۴).

۴-۴-۲. گفتمان کلامی

رویکرد غالب در سیره‌نویسی‌گردی، رویکرد نقلی-توصیفی است که با پایه‌های فکری مکتب کلامی اشعری-ماتریدی که در میان اهل سنت رایج است، سازگاری دارد. در این آثار، جنبه‌های عقلانی و نقدی که در برخی منابع متأخر عربی به‌کار رفته، کمتر دیده می‌شود. نویسندگان‌گرد به جای پرداختن به نقد عقلانی وقایع، بر جنبه قدسی، معجزات و جنبه‌های ایمانی زندگی پیامبر(ص) تأکید دارند. این رویکرد، هدف اصلی را انتقال ایمان به جای تحلیل تاریخی می‌داند (محمدکریم، ۲۰۱۰: ۲۹۸).

۴-۳. رویدادهای حساس کلامی

سه رخداد کلیدی در سیره نبوی، شاخص خوبی برای مقایسه رویکرد گردی با سنت تحلیل‌گر عربی فراهم می‌آورند:

الف: شق القمر (شکافتن سینه پیامبر)

جریان شکافته شدن سینه پیامبر به منظور آماده‌سازی آن حضرت برای دریافت وحی در کتاب‌های تاریخی و روایت‌های اهل سنت مشهور خاص و عام است. این داستان و این نوع روایات و ماجراها در تمامی کتاب‌های کلاسیک تاریخی و سیره، بازتاب گسترده‌ای داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۶: ۱، ۷۱). (ابن هشام، ۱۴۱۰: ۱، ۱۹۰). (طبری، ۱۴۰۹: ۱، ۵۲).

در متون گردی، این واقعه به صورت نقلی و بدون تردید عقلی همچون منابع متقدم عربی بازتولید می‌شود. تمرکز اصلی بر تأیید طهارت و آمادگی روحانی پیامبر^(ص) برای دریافت وحی است. تحلیل‌های فلسفی یا کلامی درباره چیرستی این شکافتن (مادی یا روحانی بودن) در این آثار کمتر یافت می‌شود و صرفاً به عنوان یک واقعه تأییدکننده مقام نبوت ارائه می‌شود (ههرته لی، ۲۰۱۳: ۴۲). (شاره‌زوری، ۲۰۲۰: ۱، ۲۳). (میرزایی، ۱۳۹۸: ۷۸).

ب: جریان معراج، اسراء و تخفیف در نماز

واقعه اسراء و معراج با تمامی جزئیات آن در تمامی منابع سیره به صورت تفصیلی بیان شده است. بحث واجب شدن پنجاه فرض نماز بر امت محمد و همچنین مراجعات مکرر پیامبر پیش خداوند به منظور تخفیف در آن به سفارش و توصیه حضرت موسی از مباحث مسلم این سفر در منابع تاریخی است (ابن هشام، ۱۴۱۰: ۲، ۵۷). (طبری، ۱۴۰۹: ۱، ۵۵).

در مورد واقعه معراج، ترجمه و اقتباس لفظ به لفظ از منابعی مانند ابن هشام در سیره‌های منظوم و منشور گردی مشهود است. با این حال، در متون منظوم، این واقعه با زبان شاعرانه و عرفانی بازتولید می‌شود، به گونه‌ای که بر تجربه عاشقانه پیامبر^(ص) با خداوند و دستیابی به مقامات عالی روحانی تأکید می‌گردد (محمد سعید، ۲۰۰۶: ۱، ۳۵۷) و (شمس قریشی، معراج‌نامه، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

ج: ایمان ابوطالب

لابه‌لای اوراق کتب سیره مشحون است از بحث رشادت‌ها و حمایت‌های ابوطالب از پیامبر در کودکی، در نوجوانی، قبل و پس از بعثت. با این وجود سیره‌نویسان متقدم بر ایمان نیاوردن ابوطالب اتفاق نظر دارند (ابن هشام، ۱۴۱۰: ۱، ۲۸۳) و (الحلبی، ۱۴۲۷: ۱، ۴۹۴). این موضوع از مناقشات کلامی مهم در جهان اسلام است. سیره‌نویسان گرد، عمدتاً با اتخاذ موضع هماهنگ با دیدگاه غالب اهل سنت، یا سکوت کرده یا به طور ضمنی بر عدم ایمان

ابوطالب (با استناد به شواهد سندی موجود) تأکید دارند. این انتخاب، نشان‌دهنده پایبندی به خط فکری کلامی جامعه‌ای است که این متون در آن شکل گرفته‌اند (پاره‌زانی، ۲۰۰۴: ۱۷۱). (هه‌رت‌لی، ۲۰۱۳: ۱۲۳). در دیگر مباحث اختلافی سیره از جمله کشتار دسته‌جمعی بنی‌قریظه، حوادث نزول اولیه وحی و مراجعه به ورقه بن نوفل، حکایت تشریع اذان، حوادث سفر اول و دوم پیامبر به شام، ازدواج با ام‌المومنین عایشه در کودکی، منابع سیره‌گردی از سیره‌های متقدم عربی تبعیت نموده‌اند و مطالب آن سیره‌ها را به صورت کامل به زبان‌گردی بازنشر داده‌اند. بنگرید به (هه‌رت‌لی، ۲۰۱۳: ۴۶، ۴۷، ۶۲، ۱۸۳). (پاره‌زانی، ۲۰۰۴: ۷۸، ۸۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۶۶) (محمد سعید، ۲۰۰۶: ۱، ۱۳۵، ۱۷۱، ۱۴۱، ۴۱۶).

۴-۵. تحول گفتمان سیره‌گردی

تحول گفتمان سیره‌نویسی‌گردی در چارچوب یک روند تاریخی قابل فهم است که از بازنمایی صرف روایت‌های اولیه به سوی تفسیر ایمانی-عرفانی و در نهایت به سوی بازخوانی تفسیری و اجتماعی حرکت کرده است. این روند را می‌توان در سه مرحله مشخص دسته‌بندی کرد که هر مرحله، دارای مجموعه‌ای از متون، مؤلفان و ویژگی‌های گفتمانی ویژه است.

الف) گفتمان تاریخی-نقلی (مرحله متقدم منظوم)

این مرحله، کهن‌ترین دوره سیره‌نویسی به زبان‌گردی را تشکیل می‌دهد. کارکرد اصلی آثار این دوره، انتقال روایات سیره به زبان مادری و فراهم کردن امکان حفظ شفاهی و اجرای آیینی بوده است. در این مرحله، مؤلفان عموماً به نقل مستقیم و غیرنقدانه از منبع عربی تکیه می‌کنند و سیره را بیشتر «گزارش تاریخی» می‌دانند تا «موضوع تبیینی یا معنایی». گفتمان سیره‌نویسی در این دوره، بیش از هر چیز، بر روایت‌محوری و وفاداری مستقیم به متون عربی سیره استوار است؛ امری که سبب می‌شود ساخت روایت‌ها به صورت نقل تاریخی خطی و بدون دخالت چشمگیر تفسیر یا گسترش معنایی سامان یابد. استفاده از قالب‌های منظوم و آهنگین - به‌ویژه در گویش‌های هورامی و گورانی - امکان انتقال شفاهی و حفظ جمعی این روایت‌ها را فراهم کرده و به تثبیت سبک اولیه سیره‌های‌گردی انجامیده است. محتوای این آثار، عمدتاً بر رویدادهای تاریخی و داستانی سیره چون ولادت، اراصات، معراج و رخداد‌های نخستین زندگی پیامبر متمرکز است و در نتیجه، کمترین سطح از تحلیل‌های ایمانی-عرفانی یا بازنمایی‌های تفسیری در آن‌ها مشاهده می‌شود. مجموعه این ویژگی‌ها به تدریج به شکل‌گیری الگوی اولیه مولودنامه‌ها در ادبیات‌گردی انجامید؛ الگویی که بعدها به‌عنوان نخستین صورت‌بندی گفتمانی سیره در سنت‌گردی تثبیت شد.

در این مرحله، نمونه‌های برجسته‌ای از مولودنامه‌های کُردی دیده می‌شود که همگی ساختاری نقلی و سنتی دارند و بر روایت‌های مربوط به خلقت نور، ارهاصات ولادت و حکایات فضائل تکیه می‌کنند. مولودنامه قاضی حسین پنجوینی که از قدیمی‌ترین منظومه‌های سیره‌پردازانه در کردستان است، با روایت‌های نوری و حضور پیامبران، ساختار کلاسیک این دوره را نمایندگی می‌کند. آثار سید عبدالله بلبری نیز با اتکای گسترده بر حکایات فضائل، توصیه‌های خلفا و روایت‌های سنتی مرتبط با ولادت پیامبر، بازتاب‌دهنده شکل تثبیت‌شده مولودی در مناطق هورامان است. همین‌الگو در مولودنامه شیخ نسیم تخته نیز ادامه می‌یابد و در آن، تأکید بر نقل داستان‌های مربوط به خلقت نور، ارهاصات و نقش شخصیت‌های دینی و تاریخی - به‌ویژه زنان و پیامبران - برجسته است. در کنار این منظومه‌ها، مجموعه‌ای از مولودنامه‌های منشور متقدم همچون آثار مدرس، شلماشی، جلی‌زاده و محمد صالح خاتونی نیز قرار می‌گیرند که اگرچه قالبی منشور دارند، اما همچنان از نظر محتوا کاملاً نقلی، نوری و فاقد هرگونه نقد سندی‌اند. مجموع این آثار نشان می‌دهد که این مرحله در واقع، مرحله «انتقال روایت» است؛ دوره‌ای که سیره در آن کارکردی عمدتاً قصه‌گویی و شفاهی داشته و بیشتر به مثابه روایت مذهبی تداوم یافته است.

ب) گفتمان ایمانی-عرفانی (مرحله اوج منظومه‌ها)

در این مرحله، سیره‌نویسی کُردی از محدوده نقل تاریخی فراتر می‌رود و به بر ساختن تصویر نورانی، قدسی و عرفانی از پیامبر(ص) گرایش پیدا می‌کند. این دوره با تأثیر مستقیم تصوف نقشبندی و قادری، سیره را به عنوان تجربه باطنی و احساس ایمانی بازنمایی می‌کند. در نتیجه، دقت سندی کاهش یافته و عناصر نوری، معجزات و روایات قدسی محوریت می‌یابند.

گفتمان سیره‌نویسی در این مرحله با برجستگی مفاهیم نورمحمدی و تفسیر آفرینش پیامبر بر پایه اندیشه «خلقت از نور» شکل می‌گیرد؛ رویکردی که الگوی روایت را از بستر صرفاً تاریخی به ساحتی قدسی و پیشازمانی سوق می‌دهد. در این دوره، تأکید بر عشق، شفاعت، ارادت صوفیانه و تجربه ایمانی محوریت می‌یابد و روایت سیره بیش از آنکه توصیف‌کننده رخدادها باشد، به صورت بازتابی از حال و روز معنوی و سلوکی ارائه می‌شود. حضور معجزات شاعرانه، کرامات و جلوه‌های اعجاز‌آمیز در متن، مرز میان روایت تاریخی و بیان آیینی را کمرنگ می‌سازد و زمینه را برای افزایش جنبه‌های اسطوره‌ای و کیهان‌شناختی فراهم می‌کند. در چنین بستری، اعتبار روایی و نقد سند، نقش حاشیه‌ای می‌یابد و به جای آن، باور دینی و تجربه ذوقی مؤمنانه، تعیین‌کننده ساخت روایت است.

این مجموعه ویژگی‌ها موجب می‌شود که مولودنامه‌ها از قالب پیشین خود فراتر رفته و به ابزار تعلیم عرفانی، انتقال آیینی محبت نبوی و تقویت هویت دینی- ذوقی در جامعه گردی بدل شوند.

در این مرحله، چهره‌هایی چون سید بهاء‌الدین شمس قریشی نقش محوری دارند؛ شاعری که با روایت‌های گسترده از خلقت نور، عبور نور محمدی از دوازده حجاب و ده بحر و آفرینش ۱۲۴۰۰۰ پیامبر از آن نور، نمونه‌ای تام از مولودنامه‌های عرفانی- ایمانی را شکل می‌دهد و معراج را نیز در قالب تجربه‌ای سرشار از اشراق عرفانی و حتی تخفیف عذاب ابولهب بازمی‌نماید. در کنار او، محمدامین بلدی شنویی با تلفیقی از نظم و نثر و با تکیه بر معجزات شاعرانه‌ای چون ایمان آوردن آهو، سخن گفتن طفل شیرخوار و کرامت‌های مرتبط با ابوجهل، استمرار سنت تصوف عاشقانه را در سیره گردی نشان می‌دهد. مجموعه مولودنامه‌های کلاسیک سورانی و هورامی از جمله آثار بلبری، شمس قریشی، نسیم تخته و قاضی حسین، هسته اصلی این مرحله را می‌سازند؛ مرحله‌ای که می‌توان آن را دوره «تجربه ایمانی و نورانی» نامید؛ زیرا در آن، سیره بیشتر مبتنی بر شهود، ذوق و دریافت باطنی از مقام پیامبر است تا بازنمایی تاریخی یا مستندگرایانه.

پ) گفتمان تفسیری-نمادین (مرحله متأخر منثور)

در مرحله سوم، سیره‌نویسی گردی، وارد یک دوره تازه از تحول می‌شود که در آن، نویسندگان می‌کوشند میان روایت تاریخی، نیازهای جامعه امروز و تحلیل اجتماعی پیوند برقرار کنند. در این مرحله، نگاه به سیره به سمت فهم کاربردی و معاصر حرکت می‌کند. هرچند آثار این دوره هنوز از نقد جامع و روشمند روایات فاصله دارند، اما تلاش جدی برای بازگشت به روایت معتبر و حذف عناصر غیر مستند دیده می‌شود.

گفتمان سیره‌نویسی در این مرحله از روایت‌محوری صرف فاصله می‌گیرد و به تدریج رویکردی تحلیلی‌تر و تفسیرمحور اتخاذ می‌کند؛ رویکردی که در آن سیره نه صرفاً مجموعه‌ای از رخداد‌های تاریخی، بلکه منبعی برای تحلیل اجتماعی، فرهنگی و حتی تمدنی تلقی می‌شود. نویسندگان این دوره می‌کوشند سیره را از قالب متنی دوردست بیرون آورده و آن را به الگوی زنده و قابل اجرا در زندگی روزمره بدل کنند؛ از این رو در روایت‌ها نوعی جهت‌گیری کاربردی، تربیتی و واقع‌گرایانه مشاهده می‌شود. در این مرحله همچنین، عناصر ساختگی یا اغراق‌آمیز - به‌ویژه مظاهر نورشناختی افراطی و کرامات فرابشری غیرمستند - به تدریج کنار گذاشته می‌شود و در مقابل، ساده‌سازی، عقلانی‌سازی و اتکای بیشتر بر روایت‌های معتبر و قابل استناد محوریت می‌یابد. مجموع این ویژگی‌ها

نشان می‌دهد که سیره‌نویسی‌گری در این دوره وارد مرحله‌ای تازه از بازخوانی و بازآرایی شده است؛ مرحله‌ای که در آن دغدغه فهم عملی و تطبیق‌پذیر بر تجربه تاریخی- قدسی پیامبر، جایگزین روایتگری صرف یا بیان ذوقی- آیینی می‌شود.

در این مرحله، آثار اصلاح‌گرایانه و نواندیش در کنار متون منشور تحول‌ساز، سیمای تازه‌ای از سیره‌نویسی‌گری را شکل می‌دهند. مولودنامه احمد مفتی‌زاده نمونه شاخص این جریان است؛ اثری که با حذف کامل روایت‌های مربوط به خلقت نور، فضائل مولودی و معجزات غیرعقلانی و تمرکز بر تحلیل اجتماعی و سیاسی رخدادهایی چون نذر عبدالمطلب، وضعیت جامعه عرب و نصب حجرالأسود، نوعی «مولودنامه انتقادی» را بنیاد می‌گذارد. در همین راستا، مولودنامه حیدر مصطفوی با تکیه بر روایات معتبر و ساختاری دقیق، گزارشی مستند از رخدادهایی همچون ماجرای بحیرا و نسطورا، هجرت، بعثت و شمایل ارائه می‌دهد و آگاهانه از برجسته‌سازی جنبه‌های کرامتی پرهیز می‌کند. کنار این آثار، مجموعه‌ای از متون منشور تحول‌ساز قرار می‌گیرد که مسیر گذار از روایت‌محوری سنتی به ساختار کتابی و تحلیلی را نشان می‌دهند. *ژیانی پیغمبریه مه‌زن* نوشته پاره‌زانی نخستین نمونه این تغییر است و پس از آن، *آثاری مانند ژيانی پیغمبریه‌ران* شلماشی با ارائه طرحی ساختارمند از زندگی همه پیامبران و *ژيانی نازیرمان* نوشته حبیب محمد سعید که جامع‌ترین سیره‌گری و قابل ارجاع‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود، این مسیر را گسترش می‌دهند. همچنین متونی چون *میرگ و گولزار هه‌رتله‌لی* که سیره را با مباحث فقهی و اعتقادی درمی‌آمیزد، سیره سه‌جلدی *شاره‌زوری* که روایتی منشور و مبسوط ارائه می‌کند و سیره عبدالواحد محمد صالح که بر روشمندی و استناد دقیق تأکید دارد، همگی نشان‌دهنده رویکردی نو در بازخوانی روایت نبوی‌اند. در سال‌های اخیر نیز *آثاری مانند هیما‌ی ژیان و گولای سر مور* با بازنمایی هویت معاصر‌گری در قالب سیره، نشان داده‌اند که این مرحله را می‌توان «مرحله بازنمایی اجتماعی- تفسیری» دانست؛ دوره‌ای که در آن سیره به ابزاری برای تربیت فرهنگی، هویت‌سازی دینی و تفسیر انتقادی تجربه تاریخی تبدیل می‌شود.

تحول سه‌مرحله‌ای سیره‌نویسی‌گری از روایت‌محوری تاریخی، به بازنمایی ایمانی- عرفانی و سپس به تفسیری- اجتماعی، نشان‌دهنده حرکت تدریجی ادبیات‌گری از نقل به تأمل، از حکایت به معنا و از آیین به تحلیل است.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سنت سیره‌نویسی کردی در یک فرآیند تدریجی، از قالب‌های منظوم هورامی و سورانی که عمدتاً بر روایت‌های نقلی و انتقال شفاهی متکی بودند، به سوی متون منثور با ساختار تفسیری و تاریخی حرکت کرده است. این گذار، تغییر مهمی در نوع مواجهه با روایت نبوی را نشان می‌دهد؛ به این معنا که سیره‌پردازی از بازگویی صرف وقایع به سمت بازخوانی تحلیلی و هدفمند پیش رفته است. بررسی محتوایی آثار نیز نشان می‌دهد که رویکرد غالب در این سنت، توصیفی و اخلاق‌محور است. تمرکز بر فضائل، سیره عملی و ابعاد ایمانی پیامبر، بیانگر نوعی بومی‌سازی سنت نبوی در حافظه معنوی جامعه کردی است. در این متون، جنبه‌های الهیاتی مناقشه‌انگیز کمتر برجسته شده و به جای آن، انتقال تجربه ایمانی و کارکرد تربیتی روایت در اولویت قرار گرفته است. از سوی دیگر، سیره‌نویسی کردی وابستگی آشکاری به منابع کلاسیک عربی مانند ابن هشام، طبری، ابن سعد و حلبی دارد؛ با این حال، شیوه اقتباس و بازتولید این مضامین نشان می‌دهد که نویسندگان کرد تنها ناقل منفعل نبوده‌اند. آنان با بازآرایی موضوعات، ساده‌سازی زبانی و انتخاب مضامین سازگار با نیازهای دینی و فرهنگی مخاطب محلی، روایت نبوی را در بستر فرهنگی خود بومی‌سازی کرده‌اند. در مجموع، سیره‌نویسی کردی نه فقط بازتابی از تاریخ دینی جامعه کرد، بلکه سازوکاری فعال برای تداوم هویت فرهنگی و زبانی آنان است. این سنت نشان می‌دهد که چگونه روایت نبوی می‌تواند میان جهان اسلام و هویت قومی پل بزند و از طریق زبان مادری، در تحولات اجتماعی و نسلی استمرار یابد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و ضرورت گسترش دامنه مطالعات در حوزه سیره‌نویسی کردی، می‌توان چند مسیر تحقیقاتی را برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد کرد. نخست آنکه نسخه‌های خطی سیره‌های منظوم کردی - به‌ویژه آثار هورامی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند - لازم است به صورت نظام‌مند دیجیتال‌سازی، فهرست‌برداری و نسخه‌برداری شوند تا امکان تحلیل‌های دقیق‌تر متن‌شناختی و تاریخی فراهم شود. دوم، انجام پژوهش‌های زبان‌شناختی تطبیقی میان گویش‌های عمده کردی می‌تواند نقش زبان‌های مجاور همچون فارسی و عربی را بر واژگان، ساختار نحوی و سبک روایت‌پردازی این متون روشن سازد. سوم، بررسی متون شفاهی معاصر از جمله روایت‌های قصه‌گویان، مداحان و اجراهای آیینی در رسانه‌های جدید، امکان بازسازی روند تحول گفتمان سیره از قالب شفاهی به نوشتاری و تحلیل نقش رسانه‌های نوین در بازتولید روایت نبوی در فرهنگ کردی را فراهم می‌آورد. این سه محور می‌تواند زمینه را برای تکمیل نقشه پژوهشی سیره‌نویسی کردی و تعمیق شناخت ما از سازوکارهای بومی‌سازی روایت نبوی در سنت‌های کردی فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظومه‌ای آموزشی که با رویکرد انتقال آموزه‌های اعتقادی به کودکان و در قالب سنت تربیتی «فرزند باید بدانی» پدید آمده است.

منابع

- آبیارکی، آرمان؛ صیدی، آسیه (۱۴۰۲). «معرفی و نسخه‌شناسی حماسه‌های دینی گورانی». *پژوهشنامه ادبیات کردی*: ۹ (۲). ۳۱-۳
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). «پیوستگی در تمدن اسلامی؛ بررسی نظریه مارشال هاج سن». *نشریه نقد و نظر، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات*. ۱۹ (۲). ۵۹-۳۵
- همتی، گلیان (۱۳۹۳). «بررسی دیدگاه‌های عمده مارشال هاج سن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی». *معرفت*. ۱۹۶، ۱۰۰-۸۳
- بیدکی، هادی (۱۳۹۸). «فهرست توصیفی متون خطی کردی در کتابخانه‌های ایران؛ منظومه‌های دینی و عاشقانه»، *نشریه کشکول*. ۲ (۱-۲). ۱۹۲-۲۲۱
- سعیدیان، رؤف (۱۴۰۲). «معرفی، نقد و بررسی متون منظوم و منثور سیره به زبان کردی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، سنندج.

منابع غیرفارسی

- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۹۹۰). *السیره النبویه*، بیروت: دارالکتب العربی.
- پاره‌زانی، عبدالعزیز ثهمین‌محمد (۲۰۰۴). *ژیانی پیغمبهری مه‌زن*، تاران: نه‌شری ئیحسان.
- الحلبی، ابوالفرج (۱۴۲۷). *السیره الحلبیه*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حه‌مه کریم، حه‌سه‌ن مه‌حمود (۲۰۱۰). *موحه‌مه د ناسراوترین که‌سایه‌تی میژوو*، سلیمانی: تیشک.
- رواری، خدر (۲۰۰۷). *روله بزانی؛ پیشه‌کی و به‌راورد جه‌میل فاروقی*، تاران: نه‌شری ئیحسان.
- الزهري، محمد بن سعيد بن منيع (۱۹۹۵). *الطبقات الكبرى*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- سوران، عبدالله (۲۰۰۶). *باری ئه‌ده‌بی له شاری هه‌ولیر، هه‌ولیر: التفسیر*.
- سه‌عید، حه‌بیب موحه‌مه‌د (۲۰۰۶). *ژیانی ئازیزمان*، سلیمانی: کتبخانه‌ی سوز.
- شاره‌زووری، موحه‌مه د فایق (۲۰۲۰). *ژیانی پیغمبهری خوا له قورئان و فه‌رموده‌کاندا*، هولیر: کتبخانه‌ی گشتی.

شوان، ئیبراهیم ئە حمەد (٢٠٠١). *لیکدانە وە و ساغکردنە وە ی بە شیک لە دیوانی موخلیس، دهوک: سپیریز*.

شەلماشی، موحەممەد (١٣٨٨). *ژیانی پێغه مبه ران، سنه، نه شری کوردستان*.

شەمس قورەیشی، بەهائەدین (٢٠٢٠) *سەرجه می به رهه می ماموستا شەمس قورەیشی، ریکخستن: عبدالرحیم مه حموودی. سنه، نه شری کوردستان*.

الطبری، محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الامم والملوک، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. فاروقی، جه میل (٢٠٠٧). په راوینیک له سه رژیانی مه لا خزری رواری، تاران: نه شری ئیحسان*.

موحه مەد سالح، عبدالواحد (٢٠١٨). *به لگه کانی پێغه مبه رایه تی، هولیر: نوسینگه التفسیر*.

موحه مەد عەزیز، فەللاح (٢٠١٥). *موحه مەد هیمای ژیانه، هولیر: نوسینگه التفسیر*.

موفتی زاده، ئەحمەد (١٣٧٦) *مه ولودنامه، سنه: بی جا*.

مه حموودی، عبدالرحیم (٢٠٢٠). *حهوت مه ولود نامه له یادی پێغه مبه ری رزگاری. سنه، نه شری کوردستان*.

میرزایی، محمد امین (١٣٩٨). *موحه مەد ئەمین، سنه، نه شری کوردستان*.

هه رته لی، عبدالله عبد العزیز (٢٠١٣). *ژیانی پێغه مبه ری ریزدار، هه ولیر: کتیبخانه حاجی قادری کویی*.